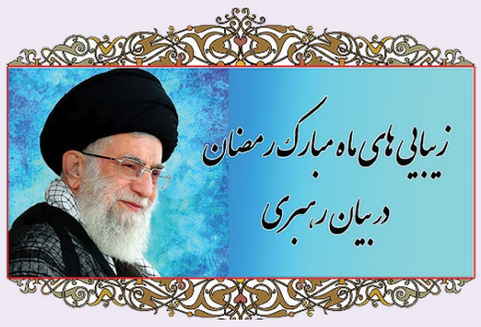

روزه جسم و روزه جان در کلام امیرالمؤمنین(ع)

یک روایتی از امیرالمؤمنین(ع) هســت که روزه را به روزه جسم و روزه جان تقسیم می‌کند. درباره روزه جسم می‌فرماید: صوم الجسد الامساک عن الاغذیه بأرادهٌ و اختیار(تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۷۶)؛ روزه جسم این است که انسان خوراکی‌ها را با اراده و اختیار خود مصرف نمی‌کند؛ خوفا من العقاب و رغبهٌ فی الثواب و الاجرهٌ؛ با این انگیزه، انســان از غذا اجتناب می‌کند. این روزه جســم است. امّا روزه جان: و صوم النفس امساک الحواس الخمس عن ســائر المآثم؛ این، روزه جان است که حواس پنج‌گانه را از همه گناهان ممنوع کنید و امســاک بدهید. و خلوّ القلب من جمیع اسباب الشر؛ دل را از اسباب و موجبات شرّ خالی کنید؛ این، روزه جان است. حالا اسباب شــرّ چیست؟ امساک از گناهان حواس خَمس، برای کسی که اراده امساک داشــته باشد، آسان است؛ اینکه دست، چشــم، گوش و زبان انسان مرتکب گناه نشود؛ لیکن آن امساکِ خلوّ قلب از اسباب الشرّ، خیلی سخت است؛ این سخت‌تر است و تمرین و مجاهدت می‌خواهد.

دوستان عزیز! من و شما مخاطبان این دستوریم؛ این مجاهدت، برعهده ماســت؛ واقعاً تأثیر گناهی که از ما ســر می‌زند، با گناهی که از یک انسان معمولی ـ که در جامعه مسئولیتی ندارد ـ سر می‌زند، تفاوت می‌کند. باید هم نسبت به گناه قلبی و هم گناه‌های شخصی، خیلی مراقب باشیم. گناه اسباب شرّ، «حســد»، «حرص» (حرص به دنیا، حرص به جمع مال، افزون‌خواهی دنیوی) «بدخواهی نسبت به دیگران» (بددلی، بدخواهی، سوءظن) «نخوت و کبر» (خودبرتربینی، دیگران را کوچک دانستن، تحقیر کردن، مردم را حقیر شمردن) است. این شروری که در عالم به وجود می‌آید، از همین چیزها به وجود می‌آید. در انسان‌هایی، نخوت آنها، کبر آنها، حرص آنها، حسد آنها، بخل آنها و شهوت‌خواهی‌شان، آنها را به حرکاتی وادار می‌کند که تأثیر عمیق این حرکات در آغاز راه، خیلی به نظر نمی‌رسد، لیکن به تدریج که پیش می‌رود، به فاجعه‌های انسانی و تاریخی تبدیل می‌شود، که می‌ماند. وقتی این فجایع بزرگ تاریخی را نگاه می‌کنیم و به طرف سرچشــمه این مفاسد می‌گردیم، می‌رسیم به چنین خصوصیاتی که در یک انسان و در یک شخص وجود دارد؛ افزون‌خواهی، حرص، بخل و شهوتی در یک انسان و در یک مجموعه انسانی وجود دارد، که منشــأ همه ابعاد این فاجعه بزرگ شــده است. «ریاکاری» و نقطه مقابل آن، «بی‌مبالاتی، پرده‌دری» هم از اسباب شرّ است. اینها چیزهایی است که انسان باید دلش را از آنها خالی کند.

ماه رمضان، ماه تمرین و تربیت ما برای این چیزهاســت. ما باید در این راه قــدم بگذاریم و حرکت کنیم. این باری که بر دوش مجموعه مســئولان گذاشته شده است، بار سنگینی است و البتّه بسیار مسئولیت پُرافتخار. نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که می خواهد سعادت مجموعه‌های انسانی را با همان پیامی که پیغمبران در طول تاریخ نبوّت‌ها آورده‌اند و به بشر رسانده‌اند، تأمین کند و عملاً دارد پیام پیامبران را در مقابل پیام طواغیت عالم تصدیق می کند. طواغیت امروز هم هستند و بر اینها گران می‌آید و مقابله و معارضه می کنند. راه پیروزی در این چالش و رویارویی هم جز ایســتادگیِ همراه با ایمان و باورِ به خود و باورِ به راه خود نیســت؛ باید راه را باور داشــته باشیم: آمن الرّسولُ بما انزل الیه من ربّه و المؤمنون کلّ آمن بالله (بقره، آیه ۲۸۵)؛ یعنی آحاد مؤمنینِ به این راه، دست به دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند. این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را بکنند، پیروزی قطعی است. ما این را در طول این بیست‌وهفت سال تجربه کرده‌ایم. در میدان‌های گوناگون، آنجایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایســتاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدّس همین پیش آمد؛ در حفظ اساس این نظام مقدّس، همین پیش آمده؛ در پیشرفت روزبه‌روز، بلکه ساعت به ساعتِ کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمده است. امروز شاخص‌های پیشرفت و توسعه را که ما در کشورمان نگاه کنیم و با اول انقلاب مقایسه کنیم، اصلاً قابل مقایسه نیست. آن روز حدس هم نمی‌شد زد که با وجود آن مشکلاتی که سر راه هست، بشود به این نقطه رسید؛ امّا به توفیق الهی رســیدیم. این، بر اثر ایستادگی همراه با باور بود؛ و راهش همین است. اگر مسئولان کوتاهی کنند، این جزو گناهانی است که تأثیرش نه فقط برای اشخاص خودشان، بلکه برای ملت، تأثیر مخربی خواهد بود.

گناهان مسئولان، کندکننده حرکت عمومی کشور

گناهان مســئولان، علاوه بر گناهان شخصی آحاد مردم، یک سیاهه‌ای از گناهانی اســت که مخصوص مسئولان اســت و یکی از آنها همین است: «کوتاهــی کردن»؛ کاری را که می‌توان انجام داد و می باید انجام داد، انجام ندادن. از جمله «دست‌درازی به اموال عمومی»، جزو گناهان من و شماست؛ یعنی من و شما هستیم که می‌توانیم مرتکب این گناه بشویم؛ امّا آحاد مردم نمی‌توانند. تأثیرش هم نسبت به سرقتی که فلان آدم معمولی ممکن است بکند، به مراتب بیشتر و مضاعف است.

«کُند کردن حرکت عمومی کشــور با ایجاد یأس»، یکی دیگر از گناهان ماست. مردم را مأیوس کنیم، نیروی محرکه را مأیوس کنیم و افق را در چشم آن کسانی که بایستی با شوق و امید جلو بروند، تیره و تار نشان بدهیم؛ این کُند کردن حرکت مردم است؛ این یک گناه بزرگی است.

یکی از چیزهایی که حرکت کشور را کُند می‌کند، تفرقه، اختلاف و دست به گریبان شدن است؛ این ایجاد اختلاف یا دامن زدن به اختلاف، جزو گناهان مخصوص طبقه ماها مجموعه مسئولان و سیاستمدارها است. یا فساد اقتصادی؛ چه دســت داشتن در فساد اقتصادی، چه چشــم بستن بر فساد اقتصادی، چیزهایی اســت که حرکت عمومی کشــور را کُند می‌کند. فساد اقتصادی، هم خودش یک کُندکننده اســت، از جهت اینکه فساد است و مسئله مالیه عمومی کشور را دچار مشکل می‌کند، هم انعکاسش در ذهن مردم از جهت دیگری موجب فساد است، که ناامیدی ایجاد می‌کند؛ لذا چه شرکت داشتن در یک فساد ـ العیاذبالله و خدای نخواسته ـ چه دیدن و چشم بستن بر یک فســاد؛ یا کشاندن مردم به فساد؛ نوع ادبیات، نوع حرف و کاری که مردم را نسبت به مسائل مفسدانه جَری و گستاخ کند ـ چه فساد مالی، چه فساد امور جنسی و امثال اینها ـ کُند کردن حرکت کشور استپ و اینها گناهان ماست.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ـ ۱۳۸۵/۷/۱۸

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

آزمایش کرونا در شرایط روزه

س)آیا انجام تست کرونا که بوسیله نمونه‌گیری از حلق و بینی با داخل کردن چیزی شبیه گوش پاک‌کن انجام می‌گیرد، موجب باطل شدن روزه می‌شود؟

ج)مجرد آزمایش کرونا - تا زمانی که چیزی از حلق پایین نرود - موجب باطل شدن روزه نمی‌شود.

استشمام بُخور در ماه مبارک رمضان

س)آیا بُخور به این معنا که دارویی جوشــانده شود و بخار آن استشمام شود و یا آب جوشانده شــود و بخار آن استشمام شود، مبطل روزه است؟

ج)در صورتــی که بخار به صورت آب در دهان در آید و آن را فرو دهد، روزه را باطل می‌کند.

مسئولیت امام زمان(عج) در شب قدر

امید خواجه میری

بر اساس آموزه‌های قرآن، شب قدر، شب تقدیر و تعیین امور حکیمانه هستی است. در این شب فرشتگان و روح به زمین می‌آیند و با خلیفه الهــی هر زمان دیدار و ملاقاتی دارند. در این ملاقات تقدیرات هرســاله رقم می‌خورد. پرسش این نوشتار این است مســئولیت خلیفه الهی و فرشتگان و روح در شب قدر چیســت؟ نویسنده بر اساس آیات و روایات بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد.

***

ارزش و اهمیت شب قدر

یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان، شب قدر اســت.(بقره، آیه ۱۸۵؛ دخان، آیات ۱ تا ۴؛ قدر، آیات ۱ تا ۵) این شــب به جهاتی شب مبارک و با ارزشی اســت؛ زیرا زمان نزول قرآنی است که موجب هدایت انســان و جداسازی حق و باطل است؛ چنانکه این شب مبارک، زمان تقدیرات و تفریق امور حکیمانه هستی است.(همان)

خداوند در آیات قرآن از شب قدر به کرامت و شرافت یاد کرده و آن را بزرگ و ارزشمند شمرده است. ارزش و اهمیت این شب تا آنجا است که با هزار ماه یعنی بیش از هشتاد و اندی سال برابری می‌کند. در حقیقت یک شــب قدر، اگر بدرستی درک شود، به اندازه عمر آدمی ارزش دارد و کسی می‌تواند با درک آن، ره صد ســاله را یک شــبه بپیماید. در این شب قرآن برای اولین بار به شکل انزال دفعی بر قلب مبارک فرود آمد و ایشــان به اجمال به همه حقایق قرآنی آگاه شدند. شاید در این مرتبه که مرتبه اجمال نه ابهام بود، حقیقت قرآنی در قالب معنا بوده و به لفظی حتی لفظ عربی در نیامده باشد؛ زیرا بر اساس آیات قرآن از جمله ۳ و ۴ ســوره فصلت، قرآن دارای دو مرتبه اصلی است: ۱. مرتبه ام الکتاب: در این مرتبه قرآن در مرتبه لدن علی حکیم بدون لفظ و تنها معنا است: وَإِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتَابِ لَدَیْنَا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ؛ (زخرف ۴۱)

۲. مرتبــه قرآن عربی: در این مرتبه قرآن به شــکل لفظ در آمده و تنزل یافته اســت: ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشــد که بیندیشید. (زخرف ۳۱)

قرآن در مرتبه ام الکتاب، لفظ نیست و تنها معنا اســت. در این مرتبه، قــرآن همانند علم و دانشــی است که در ذات هر انسان است، بی‌آنکه عربی، عبری و فارسی باشد؛ بنابراین در مقام تنزل می‌توانــد عربی و عبری یا هر زبانی دیگر شــود؛ چنانکه دارنده علــم و دانش می‌تواند آن مطلب علمی خود را به هر زبانی که توانایی و دانایی دارد، در آورده و بنویســد و انتقال دهد و تنزل لفظی بخشد و معنا را به هر لفظی در آورد.

پس از آنکه قرآن به شــکل اجمالی بر قلب مبارک پیامبر(ص) نازل شد، در طول مدت بیست و سه سال بتدریج در قالب تنزیل تدریجی در قالب لفظ عربی مبین فرود آمد. البته می‌تواند در شب قــدر قرآن به صورت لفــظ عربی ولی به صورت کلی و یک جا نازل شــده باشد؛ اما در سال‌های دیگر قرآن به صورت موردی نازل شده باشد؛ زیرا آموزه‌های معرفتی و دستوری قرآن باید در مدتی به مردمان آموخته می‌شــد که آنان بتوانند آن را تحمل کنند. از این رو با آنکه بر پیامبر(ص) یکجا نازل شده است؛ اما بر مردم در مدت بیست و سه سال قرائت و تلاوت می‌شود، تا آنان بتوانند آن را فهم و درک کرده و عمل نمایند؛ زیرا این حقایق بسیار ســنگین بود (مزمل، آیه ۵) و مردم توان دریافت یکجای آن را نداشتند. از این رو قرآن به منظــور تثبیت قلب مبارک پیامبر(ص) و تلاوت آرام و آهسته و پیاپی بر مردمان ، یکجا در قالب تنزیلی فرود نیامده است؛ چنانکه تورات این گونه نازل شده است: و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشــده است؟» این گونه مــا آن را بتدریج نازل کردیم تا قلبت را به وســیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی بر تو خواندیم.(فرقان، آیه ۳۲)

به سخن دیگر، قرآن بر پیامبر(ص) یکجا در قالب انزالی فرود آمده، ولی برای تلاوت و ترتیل بر مردمان در قالب تنزیلی یک جا فرود نیامده است. لذا پیامبر(ص) قرآن و محتوای آن را می‌دانست و همواره منتظر بود تا فرشته وحی بیاید و در قالب تنزیل و ترتیل فرمان تلاوت آن را بدهد و ایشان آن را بر مردمان بخواند. این گونه اســت که گاه سر به آسمان به انتظار می‌نشست : قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ (بقره، آیه ۱۴۴) و گاه دیگر عجله می‌کرد و بر آن بود تا پیش از تنزیل آن را بر مردمان بخواند و عرضه دارد: لَا تُحَرِّکْ بِهِ لِسَانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ؛ زبان خود را وقت نزول قرآن تنزیلی، پیش از رسیدن موعد سوره‌ها یا آیه‌های آن حرکت مده که به خواندنش شتاب کنی. پس پیش از تمام شــدن وحی شروع به خواندن آن مجموع قرآنی که یک دفعه در قلبت به ودیعت نهادیم، حرکت مده و چیزی از آن را به زبان میاور. بگذار تا زمان ابلاغ برسد و تو آن را ابلاغ کن!(قیامت، آیه ۱۶)

به هر حال، در شب قدر، قرآن به یکباره و یکجا نازل شد و ســپس در ۲۷ ماه رجب اولین زمان ابلاغ رســمی و تنزیلی قرآن و بعثت پیامبر(ص) آغاز شــد. به سخن دیگر، تا ۲۷ رجب سال دیگر ایشــان به انتظار فرمان بودند تا به عنوان مامور رســمی برانگیخته شوند و برای تبلیغ بروند. این گونه اســت که نخستین آیات سوره علق، تنزیل ترتیلی می‌یابد تا ابلاغ شود.

از دیگر ابعاد و جهات ارزشی شب قدر آن است که مهم‌ترین امور هستی بر اساس حکمت الهی در آن شب برای یکسال آینده رقم می‌خورد و هر چیزی در قالب مقدر خود از امر دیگر جدا شــده و مورد اجرا در می‌آید. از این رو آن را شب تقدیر و تفریق نامیده‌اند.

شب قدر، شب تقدیر و تفریق

در آیات قرآن از دو واژه تقدیر و تفریق برای تبیین کاری که در شــب قــدر انجام می‌گیرد، استفاده شده است. برای درک بهتر چیزی که در شــب قدر اتفاق می‌افتد این دو واژه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تقدیر که در آیات قرآن برای فعالیت‌های شــب قدر انجام می‌گیرد، بر گرفته از واژه «قَدَر» است. قَدَر در لغت به معنای بیان کمیّت شیء و چیزی(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۶۵۸ «قــدر»)، بیان مقدار و اندازه چیزی به حسب وزن یا به حسب زمان و مکان، اندازه نمودن، فرمان دادن، حکم کردن، محدود ساختن حوادث واشیاء به علل مادی و شرایط زمانی و مکانی(نثر طوبی، شــعرانی، ص ۲۸۸) آمده اســت. قَدَر در اصطلاح قرآنی، اندازه‌اشیاء و تعیین حدود وجودی آنها است؛(المیزان، طباطبایی، ج ۱۹، ص ۹۰) به بیان دیگر، تقدیر امری از ناحیه خداوند، قرار دادن آن به اندازه و مقداری است که حکمت اقتضا می کند.(مجمع البیان، طبرسی، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۷۸۵)

بر اساس آموزه‌های قرآن، هر چیزی مقدر و اندازه‌ای دارد؛ زیرا هر چیزی تجلی و مظهر اسم یا اسامی از اسمای حسنای الهی است. همچنین هر چیزی از خزائن الهی که نازل می‌شود، به میزان مقدر و معینی نازل می‌شــود. خداوند می‌فرماید: و هیچ چیز نیســت مگر آنکــه گنجینه‌های آن نزد ماســت، و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.(حجر، آیه ۲۱)

از همین رو هر چیزی که آفریده می‌شــود، مقدر و اندازه مشخصی دارد: اِنّا کُلَّ شَیءٍ خَلَقناهُ بِقَدَر؛ براستی که هر چیزی را که آفریدیم به میزان و انــدازه‌ای آفریده ایم.(قمر ، آیه ۴۹) همچنین می‌فرماید: قَد جَعَلَ اللهُ لِکُلِّ شَــیءٍ قَدراً؛ خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. (طلاق ، آیــه ۳) و اینکه اصولا هر امر الهی دارای مقدری اســت: وکانَ اَمرُ اللهِ قَدَرًا مَقدورا؛ امر الهی میزان و مقدار مشخص و معینی دارد(احزاب ، آیه ۳۸)

پس هر چیزی که آفریده می‌شود، بر اساس اندازه و حدودی است که وجود او را تعیین می‌کند. به سخن دیگر، برای هر چیزی از همان آغاز اندازه و مقدری اســت که خداوند تعیین کرده و همان حدود وجودی آن چیز است.

ایــن چیز ســپس در طول زمان بر اســاس مقدراتی که برای آن چیز اســت ، از فضل الهی بهره‌مند می‌شود؛ زیرا هر چیزی همان طوری که در آغاز و ایجاد به خداوند و تعیین او ربط دارند، در بقا نیز نیازمند تعیین و مقدراتی است که برای آن چیز درنظر گرفته شــده است. این گونه است که ربط محض و فقر هویتی، ســرتاپای وجود هر چیزی را در بر می‌گیرد(فاطر، آیه ۱۵) و در طول بقــا خویش نیازمند تقدیرات الهی اســت که بر اســاس میزان مشخص از سوی خداوند از خزائن به او می‌رسد: وخَلَقَ کُلَّ شَیءٍ فَقَدَّرَهُ تَقدیرا؛ پس خداوند در آغاز و بقا هر چیزی برای او قدر مقدری قرار داده است.(فرقان، آیه ۲)

از آنچه بیان شــد دانسته می‌شود که تقدیر الهی فراگیر بوده و همه موجودات هستی را در بر می‌گیرد و این تقدیر تنها ابتدایی نیست، بلکه در بقا نیز تداوم می‌یابد.

از آیات ۳ و ۵ سوره دخان و ۳ و ۴ سوره قدر بر می‌آید، شــب قدر، زمان تعیین مقدّرات الهی در تمام امور هستی است. این بدان معناست که خلقت چیزی یا بقای چیزی و نیز انتقال در قالب مرگ و اجل چیزی، در این شــب مقدر می‌شود. (نــگاه کنید: یونس، آیات ۵ و ۴۹؛ فرقان، آیه ۲؛ رعد، آیه ۲۶)

۲. تفریق به معنای جدا کردن در برابر جمع کردن است. در آیات قرآن این واژه در قالب فرقان و نفرق و مانند آن به کار رفته است. جدا کردن حق و باطل، جدا کردن پیامبران از نمونه‌هایی است که این واژه برای تبیین آنها به کار رفته است. خداوند شب قدر را که شب مبارکی می‌داند، شب تقدیر و شب تفریق دانسته است. چنانکه در سوره دخان آیه ۴ و ۵ می‌فرمایــد: فِیهَا یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ کَهٌ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا؛ یعنی در آن شب هر امر حکیم کهٌ امری از نزد ما است جدا می‌شود. در این شب هر امری در هستی برای تحقق خارجی نازل می‌شود. از آنجا که شب قدر در هر ماه مبارک رمضان تکرار می‌شــود. دانسته می‌شــود که در این شب قدر، امور اســتوار و حکیمانه الهی برای یک سال رقم می‌خورد. آنچه نازل می‌شود بر اساس این آیات، از لوح محفوظ است. به این معنا که آنچه در لوح محفوظ است برای اجرای یکساله نازل می‌شود.

از آیات ۳ و ۵ ســوره دخان و ۳ و ۴ سوره قدر بر می‌آید، شب قدر، زمان تعیین مقدّرات الهی در تمام امور هســتی اســت. این بدان معناســت کــه خلقت چیزی یا بقــای چیزی و نیز انتقال در قالب مرگ و اجل چیزی، در این شب مقدر می‌شود.

امام زمان(عج) امضاءکننده مقدرات سالانه

از آیات قرآن به دســت آمد که مقدرات امور هستی در هر ساله بر اساس حکمت و فلسفه کلان آفرینش تعیین می‌شود. اما پرسش این است که این مقدرات به دست چه کسی امضاء می‌شود و برای اجرای آن به دست فرشتگان و روح سپرده می‌شود؟

خداوند در آیات سوره قدر بیان می‌کند که در شب قدر اتفاقی که می‌افتد تنزل روح و فرشتگان برای امر اســت: تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ؛ در آن شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشــان، برای هر کاری که مقرّر شده است فرود آیند.(قدر، آیه ۵)

واژه تنزل در اصل تتنزل اســت. این واژه به شــکل صیغه مضارع همانند یفرق به کار رفته تا دلالت بر اســتمرار در حال و آینده داشته باشد.

در شــب قدر، قــرآن به یکباره و یکجا نازل شــد و سپس در ۲۷ ماه رجب اولین زمان ابلاغ رســمی و تنزیلی قــرآن و بعثت پیامبــر(ص) آغاز شــد.

بنابراین، نزول روح و فرشتگان تنها یک بار نبوده که در گذشته اتفاق افتاده باشد، بلکه هر ساله در شب‌های قدر تکرار می‌شود.

این تنزل هر ساله، بر وجود مبارک خلیفهٌالله انجام می‌گیرد؛ زیرا تنزل تنها بر پیامبر(ص) نبوده و نیســت بلکه بر خلیفه الله است که از آدم(ع) تا خاتم(ص) و سپس تا اولیای معصوم(ع) را شامل می‌شــود. امروزه این تنزل بر وجود مبارک امام زمان (عج) است که خلیفه الله است.

از آنجا که همه فرشتگان نازل می‌شوند، باید هر یــک ماموریت خود را در این شــب به طور مشخص از خلیفهٌالله بگیرد. همچنین روح که غیر از فرشتگان است ماموریت خود را در خلقت بخشی و جان بخشــی به موجوداتی که در لوح محفوظ ثبت شده و باید ایجاد شوند، از خلیفهٌالله می‌گیرد.

به سخن دیگر، همه چیز در لوح محفوظ ثبت شــده و در اختیار خلیفه الله است. این خلیفهٌالله اســت که به روح اعظم می‌گوید به چه کســی یا چیزی جان بخشــی کنــد و او را ایجاد نماید. همچنین خلیفهٌالله اســت که بر اساس مقدرات الهی که در لوح محفوظ ثبت شده ، به فرشتگان فرمان می‌دهد که چه بخشــی از کار را امسال بر اساس حکمت الهی انجام دهند؛ زیرا او مظهر تمام اسمای الهی و مظهر ربوبیت اوست.(بقره، آیات ۳۰ و ۳۱ و ۱۳۸؛ آل عمران، آیه ۷۹)

لوح محفوظ را هیچ کسی جز خلیفهٌالله به‌ویژه چهارده معصوم تطهیر شده الهی(ع) نمی‌تواند مس و لمــس کند.(واقعه، آیه ۷۹؛ احزاب، آیه ۳۳) از این رو، روح و فرشتگان باید به نزد خلیفه آیند و از او کسب تکلیف کنند.

بنابراین مســئولیت امام زمان(عج) به عنوان خلیفهٌالله اختصاص به انســان‌ها ندارد و این‌گونه نیست که ایشان تنها در جریان اموری قرار گیرند که باید در سال آینده اتفاق افتد، بلکه به این معنا است که روح و فرشتگان برای گرفتن ابلاغیه بر اساس حکمت الهی در چارچوب لوح محفوظ به نزد خلیفهٌالله (امام زمان(عج)) می‌آیند و ایشــان است که امضا کرده و به آنان ابلاغ می‌کند.

به هر حال، مســئولیت امــام زمان(عج) به عنوان خلیفهٌالله، تلقی از مقام لدن علی حکیم به شــکل مستقیم است و ایشان از لوح محفوظ آن امور را گرفته و به روح و فرشــتگان پس از امضا، ابلاغ می‌کند و مدبرات امر، مقســمات امر و همه فرشتگان بر اساس مسئولیت و ماموریت، این امور حکیمانه امضا شده را دریافت کرده و در طول یک سال به انجام می‌رسانند.

علی‌بن ابراهیم قمی در تفسیری درباره نزول فرشتگان و روح، در شب قدر می‌گوید: فرشتگان و روح‌القدس، در شب قدر، بر امام زمان(عج) نازل می‌شــوند و آنچه را که از مقدرات ســالانه بشر، نوشته‌اند، به او تقدیم می‌دارند.

و همین محدث مــورد وثوق از حضرت امام باقر(ع) نقل کرده، که وقتی از حضرتش پرسیدند: آیا شــما می‌دانید که لیلهٌالقدر کدام شب است؟ حضــرت فرمودند: چگونه ندانیم، و حال آنکه در شــب قدر فرشــتگان بر گرد ما طواف می‌کنند. (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۴، جزء ۲۳)

حضرت سجاد(ع) فرموده‌اند: ای گروه شیعه، با سوره «انا انزلناه فی لیلهٌ القدر» با مخالفین امامت ائمه معصومین(ع) مباحثه (و اتمام حجت) کنید تا کامیاب و پیروز شوید، به خدا که آن سوره، پس از پیغمبر اکرم(ص) حجت خدای تبارک و تعالی اســت بر مردم، و آن سوره آقای دین شماست و نهایت دانش و آگاهی ماســت. ای گروه شیعه، با «حــم والکتاب المبین، انا انزلناه فی لیلهٌ مبارکه انا کنــا منذرین» مناظره کنیــد، زیرا این آیات مخصوص والیان امر امامت بعد از پیامبر اکرم(ص) است. همچنین از رسول اکرم(ص) نقل شده است، که به اصحابشــان فرموده‌اند: به شب قدر ایمان بیاورید، زیرا آن شــب برای علی‌بن ابی‌طالب(ع) و یــازده نفر از فرزندان او پس از من خواهد بود. (همان، ج ۹۷، ص ۱۴، جزء ۲۳)

رشیدالدین میبدی مفسّر معروف اهل سنّت می گوید: برخی گفته‌اند: این شب قدر در روزگاران پیامبر اکرم- صلی‌الله‌علیه‌وآله - بود، سپس از میان رفت، اما چنین نیست، زیرا که همه اصحاب پیامبر و علمای اسلام معتقدند که شب قدر تا قیام قیامت باقی است.(کشف‌المراد، ج۱۰، ص۵۵۹)

عالم جلیل‌القدر، امین‌الاسلام طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان نیز روایتی را از ابوذر غفاری نقل می کند که: گفت: به رســول خدا گفتم: ای پیامبر، آیا شب قدر و نزول فرشتگان در آن شب، تنها در زمان پیامبران وجود دارد و چون پیامبران از دنیا رفتند، دیگر شب قدری وجود ندارد؟ فرمود: بلکه شب قدر تا قیام قیامت هست.(مجمع‌البیان، ج۱۰، ص۵۱۸)

در اصــول کافی در ضمن حدیثــی از قول امام صادق(ع) چنین آمده اســت: علی(ع) غالبا می‌فرمود: که هر گاه دو تن از اصحاب نزد پیامبر بودند و آن حضرت ســوره «انا انزلنا» را با خشوع و گریه تلاوت می کرد، می گفتند: چقدر در برابر این ســوره حسّاســی، می‌فرمود: این حساسّیت برای چیزی اســت که چشمانم (فرشتگان را در شــب قدر) دیده و دلم (بیان هــر امر حکیم را در آن شــب) فهمیده و پس از من جان این مرد (اشاره به علی(ع)) آن را دریافت خواهد کرد. آنها مــی گفتند: تو چه دیده‌ای و او چه خواهد دید؟ پیامبر در پاسخ آنها روی خاک می نوشت: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ» آنگاه مــی فرمود: پس از اینکه خــدای متعال فرموده است: «مِّن کُلِّ أَمْرٍ» آیا چیزی باقی خواهد بود؟ می‌گفتند: نه، می‌فرمود: در شــب‌های قدر بعد از من هم آن امر نازل می‌شــود؟ می گفتند: آری، می‌فرمود: بر چه کسی نازل می‌شود؟ می‌گفتند: نمی‌دانیم، پیامبر دست بر سر من می گذاشت و می فرمود: اگر نمی دانید، بدانید، آن شخص پس از من این مرد است.(کافی، کتاب الحجه، باب فی شأن «انا انزلناه»، حدیث ۵)

بنابراین وقتی شب قدر در هر سال و تا برپایی قیامت ادامه دارد، پس باید صاحب شب قدر که بعد از پیامبر اکرم(ص) اوصیاء معصوم آن بزرگوار هستند، نیز برای همیشــه وجود داشته باشند، چنانکه در احادیث وارد شده است.(همان، حدیث ۷) وگرنه فرشتگان بر چه کسی فرود آیند و کتاب تقدیر را نزد چه کسی بگشایند و مجاری امور را به اذن خدا به چه کسی بسپارند؟ همان گونه که قرآن تا قیام قیامت هســت، حجت خدا در زمین نیز باید وجود داشته باشد و معلوم است که پس از رحلت پیامبر اکرم این منصب و مقام به اوصیای او واگذار شده است.

از امیرمومنان علی(ع) درباره وجود شب قدر در هر سال و وجود حجت خدا و صاحب آن شب در هر عصر روایتی است. امام جواد(ع) نقل می‌کند کــه امیرمؤمنان(ع) به ابن عبّاس فرمود: إِنَّ لَیْلَةَ الْقَدْرِ فِی کُلِّ سَــنَةٍ وَ إِنَّهُ یَنْزِلُ فِی تِلْکَ اللَّیْلَةِ أَمْرُ السَّــنَةِ وَ إِنَّ لِذَلِکَ الْأَمْرِ وُلَاةً بَعْدَ رَسُولِ اللهِ(ص) فَقُلْتُ مَنْ هُمْ فَقَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِی أَئِمَّةٌ مُحَدَّثُونَ؛ شــب قدر در هر سالی هست، در این شب امور همه ســال (و تقدیرها و سرنوشت‌ها) فرو فرســتاده می شود، پس از درگذشت پیامبر نیــز این شــب صاحبانی دارد. گفتــم: آنان چه کسانی هســتند؟ فرمود: من و یازده فرزندم که امامان محدث هستند.(کافی، ج ۱، شان انا انزلناه؛ تفسیر قمی، ذیل آیه)

وقتی شــب قدر در هر ســال و تا برپایــی قیامت ادامــه دارد، پس باید صاحب شــب قدر که بعــد از پیامبر اکرم(ص) اوصیاء معصوم آن بزرگوار هســتند، نیز برای همیشــه وجود داشــته باشــند، چنانکه در احادیث وارد شــده اســت. وگرنه فرشــتگان بر چه کســی فــرود آیند و کتاب تقدیر را نزد چه کســی بگشــایند و مجاری امور را به اذن خدا به چه کســی بســپارند؟ همــان گونه که قرآن تا قیام قیامت هســت، حجت خدا در زمین نیز باید وجود داشــته باشــد.

چراغ راه

پرهیز از رفتار پست برای رسیدن به اهداف

قال‌الامام علی(ع): و اکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقتک الی الرغائب، فانک لن تعتاض بما تبذل من نفسک عوضا. و لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا»

امام علی(ع) به امام حسن(ع) فرمود: ای فرزندم! نفس خود را از هر گونه رفتار پستی باز دار هر چند تو را به اهدافت رساند. زیرا تو نمی‌توانی به اندازه عزت و آبرویی که از دســت می‌دهی بهایی به دست آوری. پس بنده و برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.[1]

۱- نهج‌البلاغه، نامه ۳۱

حکایت خوبان

اتمام حجت به وسیله قرآن

دشــمن، لشــکر زیادی را در بصره برای مقابله و جنگ با امام علی(ع) آماده کرده بود.

امام به هواداران خود فرمود: کیســت که این قــرآن را بگیرد و به اینها بگوید: چه عیبی از ما گرفته‌اید و چه جرمی کرده‌ایم که خون ما و خودتان را می‌ریزید؟

مردی گفت: من، ای امیرمومنان! امام فرمود: اما کشــته می‌شوی. گفت: باکی ندارم؛ پس رفت و او را کشتند. فردای آن روز، امام سخن روز پیش خود را تکرار کرد. باز مردی داوطلب شد. امام فرمود: مانند رفیقت کشته می‌شوی. گفت: باکی نیست و او هم رفت و کشته شد. روز سوم هم نیز همین امر اتفاق افتاد. پس از آن، امام فرمود: اینک جنگ با ایشان جایز شد.[1]

۱- اثبات الهداه، ج ۵، ص ۲۲۹

پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ در آموزه‌های علوی (۲)

۱- شاخص‌های علم

* از امام علی(ع) پرســیدند: علم چیست؟ امام در پاسخ فرمودند: علم و دانش چهار جمله است: ۱- خدا را به اندازه نیازی که به او داری عبادت کــن. ۲- به اندازه طاقتی که در برابر عــذاب جهنم داری خدا را نافرمانی کن ۳- برای دنیایت به اندازه عمری که در آن ســپری می‌کنی کار کن ۴- برای آخرتت به اندازه مدتی که در آن هستی کار کن (تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۳۷)

۲- معنای «لاحول و لا قوةالا بالله»

* ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: از حضرت علی(ع) درباره معنی این سخن «لاحول و لاقوه الا بالله»

سوال شد؟ امام فرمودند: ما با وجود خدا بر هیچ چیزی مالک نیستیم و به آنچه که او بر ما تملیک کرده نیز مالک نیســتیم. پس هر وقت که بر ما تملیک کرد آنچه را که او از ما به آن مالک‌تر است، ما را مکلف فرموده و هر موقع که آن را از ما گرفت تکلیف آن را از ما ســاقط نموده اســت. (نهج‌البلاغه - حکمت ۴۰۴)

۳- اوصاف مومنین واقعی

*روزی امام علی(ع) از کنار عده‌ای عبور می‌کرد و دید آنها لباس‌های ســفید و گران قیمت پوشیده‌اند و (نشانه‌های تکب